



خواسته‌های دبیران میناب از مؤلفان کتاب‌های دینی و قرآن سوم متوسطه

ساعت آموزش قرآن را مستقل کنید

رمضانعلی ابراهیمزاده گرجی، مهدی مروجی

اشاره

«میناب»- شهر کهن‌زاد- در شرق استان هرمزگان و در فاصله ۱۰۰ کیلومتری مرکز استان قرار دارد. این شهر با ۲۶۰ هزار نفر جمعیت (طبق سرشماری سال ۱۳۹۵) دومین شهر بزرگ استان بعد از «بندر عباس» است. از میناب به «گلستان جنوب» کشور نیز تعبیر کرده‌اند. گفته‌اند به دلیل داشتن آب فراوان و رودخانه پر آب و شیرین، میناب شهره شده است. آب شرب بندر عباس از سد استقلال این شهر تأمین می‌شود. دشت‌های میناب حاصل‌خیزند. این شهر گذشته از طبیعت سرسبز و زیبا، از جاذبه‌های تاریخی برخوردار است.

ما این چیزها را ندیدیم، ان شاءالله شما ببینید. زیرا به دلیل تنگی فرصت، صبح از بندرعباس به اداره آموزش و پرورش میناب رفتیم. در جمع خواهران و برادران معلم شرکت کردیم و با آنان به گفت‌وگو نشستیم. به محض اتمام جلسه فوری به بندر عباس برگشتیم، به فرودگاه رفتیم و به تهران آمدیم.

در میناب تعدادی از دبیران درس دینی و قرآن پایه دوازده برای گفت‌وگو گرد هم آمدند. همکاران محترم از جاسک و سیریک نیز آمده بودند.

خوش‌بختانه در جمع حضار سه تن از دبیران اهل سنت نیز حضور داشتند. آنچه می‌خوانید

حاصل این گفت‌وگوست که در این فرصت کوتاه فراهم آمده است.

بسم الله الرحمن الرحيم. با توجه به جمعیت حدود ۲۰ نفره همکاران بهترین پرسش این است: اگر هر یک از شما مؤلف کتاب پایه دوازدهم دین و قرآن باشید، با توجه به تجربه‌هایی که دارید، کدام یک از عنوان‌های کتاب موجود را حذف، کدام یک را اصلاح و چه عنوان یا عنوان‌هایی را اضافه می‌کنید، و به هر حال چرا؟

شمیسا امینی‌پور (جاسک، دبیر اهل سنت): با وجود آنکه کتاب جدید [التألیف] است، تمام سرفصل‌های آن خوب‌اند، ولی اگر درباره توحید مطالب بیشتری باشد، خیلی بهتر می‌شود ولی باید به قضا و قدر در درس پنجم بیشتر بپردازند.

صفیه ذاکری (میناب): با همکارم موافقم که بحث قضا و قدر در کتاب، مجمل و برای دانش‌آموزان نامفهوم است. اما در باب توحید، سه درس اول، دوم و سوم اختصاص دارند؛ توحید عملی و نظری. بچه‌های پایه دوازدهم، به ویژه در رشته‌های ریاضی و تجربی با کتاب جدیدی مواجه‌اند؛ هم از نظر محتوا و هم از نظر نوع کلام. زیرا این دانش‌آموزان با مباحث فلسفی و کلامی به این شکل و با این رویکرد مواجه نبوده‌اند. به این دلیل با آن‌ها مشکل داریم و بخشی از این مشکل به کوتاه و محدود بودن زمان برمی‌گردد که برای تدریس و تفهیم چنین موضوع‌هایی در اختیار داریم. اما اصل آن به محتوای کتاب در این سه درس مربوط می‌شود. به این نکته اشاره کنم که در کنار سه درس توحید و خداشناسی در کتاب فقط یک صفحه به «توسل» اختصاص دارد؛ آن هم با ارجاع به آیات قرآن کریم.

اما نکته دیگر: در کتاب قدیم «دو پندار ویرانگر»،

یعنی جبر و اختیار مطلق را با هم داشتیم، ولی در کتاب جدید فقط بحث جبر آمده است. چرا اختیار حذف شده است؟ آیا اختیار مطلق و آزادی مطلق پندار ویرانگری نیست؟ نکته سوم این است که در کتاب موردی که مرا خوش حال کرد، ذکر نمونه‌های به‌روز در درس سوم، یعنی «توحید و سبک زندگی» است. یعنی اگر درباره افزایش بصیرت دینی بخواهیم صحبت کنیم یا افزایش محبت خداوند، برای مثال از فتنه زمان امیرالمؤمنین علی (ع) می‌گویید و یک نمونه هم از تکفیری‌های زمان حال و امروز دارد که افزوده هوشمندان‌های است. کاش می‌شد ذکر چنین نمونه‌هایی در تمام کتاب تعمیم می‌یافت. روزآمد کردن به‌ویژه در حوزه مهدویت باید انجام بشود. مورد خیلی خوب دیگر این کتاب، بررسی فلسفه احکام در درس نهم (پایه‌های استوار) است که ارائه آن به جوانان بسیار اهمیت دارد. ولی این درس فلسفه احکام را در حوزه اقتصاد بیان می‌کند که بیانی خیلی گنگ دارد. وقتی بحث اقتصاد مطرح می‌شود، پای بانک به میان می‌آید. بنده به‌عنوان معلم دین و زندگی اعلام می‌کنم که موضوع بانک و سرمایه، دغدغه تمام دانش‌آموزان از پایه دهم تا پایه دوازدهم است، اما پاسخ دقیق و روشنی برای دانش‌آموزان نداریم.

حجت مکی نصیرایی (میناب): برخلاف نظر همکارم درباره درس نهم (پایه‌های استوار) که فرمودند این درس فلسفه احکام را گفته، به نظرم چیزی درباره فلسفه احکام نگفته است. دو بحث دارد: یکی درباره موسیقی، فقط گفته موسیقی سنتی و کلاسیک و موسیقی غیرسنتی و مدرن حلال است، اما هر نوع موسیقی که بی‌بند و باری و شهوات را تحریک کند و مناسب مجالس لهو و لعب باشد، حرام است.

در بند ۶ درس هشتم (ص ۱۰۵) نوشته‌اند: «شرکت در مجالس شادی، مانند جشن عروسی، جشن‌های مذهبی و ملی جایز است و حتی اگر موجب تقویت صلۀ رحم یا تبلیغ دین شود، مستحب است؛ به شرط آنکه در این مجالس احکام دین مانند پوشش مناسب خانم‌ها رعایت شوند.» مشکل اصلی ما در مجالس، موسیقی است که اسمی از آن نبرده است. اصلاً درباره موسیقی توضیح خاصی مگر آنچه در بند ۴ آمده، ندارد. باید درباره آثار روانی، جسمی و روحی موسیقی نکاتی گفته می‌شد. زیر موضوع ورزش همین درس، اشاره‌ای به ورزش بانوان نشده است.

سهراب کریمی (میناب): بنده دبیر دین و زندگی‌ام. سالیان سال است که در دبیرستان و هنرستان تدریس می‌کنم. اگر بنده مؤلف کتاب بودم، کتاب دین و زندگی را شماره‌گذاری (۱، ۲ و ...) نمی‌کردم. دانش‌آموز می‌پرسد، «آقای کریمی آیا خدا هست؟» چرا؟ زیرا ما نتوانسته‌ایم با این همه کتاب دین و زندگی او را درباره وجود خداوند قانع کنیم. چرا؟ زیرا زیربنای کار ما مشکل دارد.

کتاب پایه دوازدهم موردنظر ما در این جلسه با داشتن «دانش تکمیلی»، «بیشتر بخوانیم»، «بیشتر بدانیم»، «تدبر در آیات» و «تفکر در آیات» خیلی خوب است، اما دانش‌آموزان به ترجمه آیات کتاب خیلی توجه ندارند. آیات را خودم یک بار می‌خوانم و بچه‌ها هم بالاخره چهار نمره را می‌گیرند، ولی آن‌ها نمی‌توانند قرآن را بخوانند. حجم کتاب خیلی زیاد است. علاوه بر این، در رشته‌های ریاضی و تجربی کمبود وقت داریم.

سید مهدی موسوی (میناب): در ابتدای هر درس در یک صفحه آیات قرآن مجید را آورده‌اند (برای پایه‌های دهم، یازدهم و دوازدهم). آیات دوره دبستان با رسم الخط عثمان‌طه است، اما در دبیرستان این رسم الخط کاملاً عوض شده است. حتی اشکال چاپی وجود دارد. در رسم الخط عثمان‌طه «آ» نیست، زیرا دانش‌آموز آن را با مدّ (~) اشتباه می‌گیرد. یکی از سؤال‌ها این است که آیا رسم الخط کنونی آیات قرآن در کتاب درسی برای خواندن طراحی شده است یا خیر؟ به نظر بنده زیاد خوب نیست. دانش‌آموزی دارم که حافظ کل قرآن است. دانش‌آموز دیگری دارم که حافظ ۱۵ جزء قرآن است. آشنایی آن‌ها با قرآن، با رسم الخط عثمان‌طه بوده است. وقتی با این رسم الخط مواجه شدند، در قرائت مشکل پیدا کردند. بازگشت کتاب درسی به رسم الخط عثمان‌طه خیلی بهتر است، زیرا قرآن‌های خانه‌ها و مساجد با این رسم الخط است.

صفیه ذاکری (میناب): برای رفع مشکل در قرائت قرآن (که حرف همکاران بود) باید ساعات دینی و قرآن از هم تفکیک شوند.

حجت مکی نصیرایی (میناب): اکثر مباحث عقلی - فلسفی که در این کتاب داریم، در کتاب فلسفه آمده‌اند. بنابراین خوب است که جهت کتاب دین و زندگی، بیشتر اخلاقی بشود، زیرا با روال موجود، دانش‌آموز گیج می‌شود.

عصمت جلالی (میناب): عنوان درس سوم «توحید و سبک زندگی» است. مقام معظم رهبری به کرات فرموده‌اند: افرادی با سمت‌های مختلف در جامعه موفق می‌شوند که ایمانشان قوی باشد. با توجه به‌عنوان درس، چقدر توانسته‌ایم توحید را بشناسیم و در مقام عمل بدان پایبند باشیم؟ از نظر اخلاقی نیز دچار ضعفیم که در کتاب باید بدان توجه شود. بنده با نظر همکار محترم آقای نصیرایی موافقم.

در بخش کاربردی، جای دعاها در کتاب خالی است. دانش‌آموزان هیچ شناختی از این همه دعاها پرمحتوا و برانگیزاننده‌ای که داریم، ندارند.

درس اول (هستی‌بخش) خیلی فلسفی تبیین شده است، و چنین رویکردی برای دانش‌آموزان رشته‌های ریاضی و تجربی که با فلسفه چندان آشنایی ندارند،

بچه‌ها به ترجمه آیات کتاب خیلی توجه ندارند. آیات را خودم یک بار می‌خوانم و بچه‌ها هم بالاخره چهار نمره را می‌گیرند، ولی بچه‌ها نمی‌توانند قرآن را بخوانند. حجم کتاب خیلی زیاد است

مشکل‌زاست. اگر در آخر درس حداقل فرازهایی از دعاها بیاید، به ویژه آن‌هایی که با اخلاق ارتباط نزدیک دارد، خیلی بهتر خواهد بود.

حسین رئیسی (میناب): با توجه به صحت خواهر و برادر همکارم عرض می‌کنم، اگر ما رویکرد فلسفی را ضعیف مطرح کنیم، با توجه به شبهه‌هایی که الان مطرح‌اند، به صلاح نیست. زیرا در این وضعیت باید بچه‌ها را از نظر عقلی اقناع کنیم. می‌دانید که به حوزه توحید حمله زیاد می‌شود و حمله به دین خیلی بیشتر از تبلیغ دینی است. اگر در صدد تضعیف ابعاد عقلی، فلسفی و کلامی باشیم و فقط به مباحث اخلاقی بسنده کنیم، به نظرم آموزش سطحی می‌شود و در برابر همه‌ها آسیب‌پذیری افزایش می‌یابد. اینکه گفته می‌شود، دانش‌آموزان رشته‌های ریاضی و تجربی با مباحث فلسفی آشنایی ندارند، مقرون به صحت نیست. به نظر بنده این دانش‌آموزان توانایی بالقوه بیشتری برای درک مباحث فلسفی دارند. حتی پیشنهاد ما این است که به‌ویژه در رشته ریاضی، درس منطق گنجانده شود. زیرا در ریاضی، بیشتر بر جنبه‌های فلسفی و عقلانی تأکید می‌شود. به‌طور کلی نباید در جهت تضعیف رویکرد فلسفی و کلامی دروس حرکت کنیم که به صلاح نیست.

شمیسا امینی‌پور (جاسک): به آسیب‌های اجتماعی اشاره شد. این مورد، از مشکلات حاد ما در مدارس هستند. همه مشکلات و آسیب‌هایی که ما داریم، به هیجانات برمی‌گردند. می‌توانیم این هیجانات را طبق آیات قرآن و احادیث کنترل کنیم. چه خوب است که برای کاهش این آسیب‌ها، آیات و احادیث مربوط را هم در کتاب بیاوریم.

حسین رئیسی (میناب): در این کتاب جای مباحث روز خالی است. با توجه به شبهه‌هایی که در فضای جامعه مطرح می‌شوند، باید آسیب‌شناسی کرد و پس از آن با تهیه پادزهر لازم و مناسب، جوانان را در مقابل این آسیب‌ها واکسینه کنیم.

زارعی (میناب): به‌عنوان جمع‌بندی دو پیشنهاد دارم: اول، عرض کنم درس هفتم دین و زندگی (۳) علوم انسانی را به کتاب علوم تجربی منتقل کنند، تا خلأ اخلاقی آن پر شود. دوم، سیره عملی اهل بیت (ع) را به این کتاب اضافه کنند. اگر این دو نکته رعایت شوند، خیلی خوب می‌شود.

نسرین سالاری‌نژاد: دبیر اهل سنت (سیریک): بنده در منطقه اهل سنت‌نشین تدریس می‌کنم. ما برای دانش‌آموزان اهل سنت به کتاب ضمیمه نیاز داریم. به ویژه برای درس قضا و قدر من همواره ضمیمه‌ای تدارک می‌دیدم، زیرا در رشته علوم تجربی و فنی‌وحرفه‌ای، بچه‌ها در این مورد خیلی سؤال دارند و لازم است به صورت دقیق به آن‌ها پاسخ بدهیم.

ع در این کتاب «اندیشه و تحقیق» یا «تدبر در قرآن» و «تفکر در متن» داریم که هدف آن‌ها تشویق دانش‌آموزان به اندیشیدن و تفکر درباره همه چیز است. از طرف دیگر، مؤلفان دبیران محترم را به جلب مشارکت دانش‌آموزان در فرایند تعلیم و تعلم فرا خوانده‌اند. با توجه به تمام جوانب کار شما، آیا می‌توانید این هدف‌ها را محقق کنید؟ به عبارت دیگر، تا چه اندازه در این زمینه کار شما قرین موفقیت است؟

شمیسا امینی‌پور (جاسک): روش من در کلاس استدلالی است و تدبر و تفکر در تفهیم موضوع درس خیلی کمک می‌کند. بنابراین قبل از اینکه خودم درس را تشریح کنم، از دانش‌آموزان می‌خواهم آنچه را از موضوع درس درک کرده‌اند، بیان کنند. اشکال هم ندارد، ناقص یا اشتباه حرف بزنند. البته به‌عنوان معلم، نقش هدایت‌گری‌ام را از یاد نمی‌برم. پس از این مرحله، از ابتدا موضوع درس را با توجه متن کتاب توضیح می‌دهم. بچه‌ها با توجه به آنچه خودشان بیان کرده‌اند، و آنچه در کتاب آمده است، نکاتی را که بنده می‌گویم، خیلی بهتر متوجه می‌شوند. به این ترتیب، هم به بخش اندیشه و تفکر عمل می‌شود و هم مشارکت معنا پیدا می‌کند. اضافه کنم که فرصت کم است، اما با مدیریت زمان و جلب مشارکت بچه‌ها، می‌توان از وقت موجود استفاده بهینه کرد.

حجت مکی نصیری (میناب): نویسنده کتاب تربیتی «من دیگر ما»، قبل از آنکه بخواهد درباره مفهومی توضیح بدهد، داستانوارای را نقل می‌کند. نویسنده آن آقای عباسی وادی است. همین شیوه کتاب را جذاب و شیرین کرده است و خواننده می‌خواهد هر چه زودتر آن را بخواند. با توجه به این شیوه کار، اگر ممکن باشد، خوب است برای هر درسی، خودمان داستان یا داستانوارهای بنویسیم یا مؤلفان کتاب برای هر موضوع درس، داستانی تدارک ببینند. اگر نمی‌شود این داستان‌ها را در کتاب درسی آورد، آن‌ها را در کتابی به‌صورت کمک آموزشی بگنجانند و در اختیار معلم‌ها قرار دهند. به‌نظر می‌رسد و تجربه هم نشان داده است که انتقال مفاهیم - به‌ویژه مفاهیم پیچیده - از طریق بیان داستانی آسان‌تر و قابل فهم‌تر است و مخاطب را نیز به فکر کردن وادار می‌کند.

صفیه ذاکری (میناب): از امتیازهای کتاب همین مواردی است که برخی را شما ذکر کردید. برخی دیگر عبارت‌اند از: پیام آیات، پاسخ سؤالات شما، یا بررسی و خودارزیابی. این بخش‌ها ما را تشویق می‌کنند که دانش‌آموزان را در فرایند کار آموزشی فعال کنیم. اما من نظر مؤلف بزرگوار کتاب را به این نکته جلب می‌کنم که در کتاب پایه یازدهم، به لزوم وجود امام بعد از پیامبر (ص) پرداخته‌اند و اینکه با توجه به گسترش دین اسلام، به وجود امام به دلیل اوضاع و احوال و شبهه‌هایی که مطرح می‌شوند، نیازمندیم.

روشن است که هیچ نسبتی بین آن انتظارها و دغدغه‌ها با زمان کلاس و تدریس وجود ندارد. موضوع‌های کتاب خیلی عالی، اما کلی‌اند. من معلم باید کلیات هر درس را جزئی کنم

ما در عصر غیبت امام (ع) زندگی می‌کنیم و معلمان دین و زندگی، دارند کار امام را انجام می‌دهند. با این حال و با وجود این همه دغدغه‌ها و دشمنی‌ها علیه دین ما و اینکه انتظار دارند، دانش‌آموزان را در فرایند آموزش مشارکت بدهیم، آیا زمانی که در اختیار ما قرار دارد، کافی است؟ روشن است که هیچ نسبتی بین آن انتظارها و دغدغه‌ها با زمان کلاس و تدریس وجود ندارد. موضوع‌های کتاب خیلی عالی، اما کلی‌اند. من معلم باید کلیات هر درس را جزئی کنم و قبل از آن ذهن دانش‌آموزان را با مقدماتی و به گفته آقای مکی نصیری با داستانی آماده کنم که کلی وقت می‌طلبد. در درس هشتم سال دوازدهم داستانی آمده است. من برای بقیه درس‌ها هم باید حداقل یک داستان بیابم و برای دانش‌آموزان نقل کنم تا متوجه موضوع شوند. ولی متأسفانه ساعت و زمان تدریس در خور درس‌ها و حجم کتاب نیست. لذا سهم مشارکت دانش‌آموز نیز کمتر است. یعنی هر چه زمان بیشتر باشد، مشارکت و فعالیت دانش‌آموز بیشتر می‌شود. در حال حاضر، ما حتی فرصت حضور و غیاب نداریم و فوری درس را شروع می‌کنیم.

این سؤال درباره شیوه ارزشیابی است که مؤلفان در ابتدای کتاب آورده‌اند: آیا نمره‌گذاری در امتحان، با توجه به نتایج ارزشیابی درس‌ها مناسب است؟ لطفاً نظر خودتان را مستدل بفرمایید.

حسین رئیسی (میناب): پیشنهاد من این است که بخشی از ۲۰ نمره پایانی را به کارهای پژوهشی دانش‌آموزان اختصاص بدهیم تا آنان به صورت مستقل و پس از تعیین موضوع از طرف دبیر، کار تحقیقی را انجام بدهند. در اینجا نمره در حقیقت مشوق به حساب می‌آید. پیشنهاد دیگر این است که پژوهش‌های برتر دانش‌آموزی در بخش خاصی از مجله رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی چاپ شوند.

امینه جمشیدی (میناب): با عنایت به این نکته که در سال دوازدهم به امتحان نهایی می‌رسیم، شیوه ارزشیابی مؤلفان را قبول دارم. زیرا اکثر کارهای تحقیقاتی دانش‌آموزان برگرفته از اینترنت است. بنده تأثیر خاصی را روی دانش‌آموز مشاهده نکرده‌ام. اما اگر تحقیق و پژوهش در حد توان دانش‌آموز به صورت اصولی و از راهش صورت گرفته باشد، مفید است.

اگر چهار نمره قرائت برای سال دهم و یازدهم بیشتر می‌شد، خیلی بهتر بود. باید کاری کنیم که قرآن از حاشیه خارج شود. الان چون بچه‌ها برای نمره درس می‌خوانند، اصل نیست و در حاشیه قرار می‌گیرد. اگر در کنار دین و زندگی، کتاب مهارت‌ها را هم داشته باشیم،

خیلی خوب خواهد بود.

حجت مکی نصیری (میناب): ترتیب نمره‌ها در نوبت اول ارزشیابی دین و زندگی ۱۶ و ۴ است، اما در نوبت دوم قرائت را حذف کرده‌اند؛ آن هم زمانی که دانش‌آموز باید به قرائت توجه کند. مثل نوبت اول همان ۱۶ و ۴ باشد.

سازمان سنجش که متولی تمام و کمال برگزاری کنکور است، از وزارت آموزش و پرورش جداست و به منویات آموزش و پرورش کمتر توجه می‌کند. برای نمونه در همین درس دین و زندگی، مؤلفان به وضوح نوشته‌اند که از جاهای مشخص هیچ نوع سؤالی استخراج نشود. اما دبیران و دانش‌آموزان می‌گویند، طراحان سؤال کنکور از همین جاها و حتی از پانوشته‌های کتاب سؤال طرح می‌کنند.

با توجه به این شرایط، درباره تأثیر کنکور بر شیوه تدریس دین و زندگی چه نظری دارید؟

صفیه ذاکری (میناب): در سؤال‌های کنکور از کلمات ثقیل استفاده می‌کنند. به نظر می‌رسد طراح یا طراحان سؤال می‌خواهند با این کار بار مفهومی سؤال را بالا ببرند. دیدم که «حاط» یا «محیط» را در زمینه پرسش مربوط به توحید نظری به کار برده‌اند. دانش‌آموز می‌ماند که آن‌ها را چه‌طور ترجمه کند تا بعد بتواند گزینه را انتخاب کند. چرا از کلمات متناسب با معلومات دانش‌آموزان استفاده نمی‌کنند؟ مخالف طرح سؤال مفهومی در کنکور نیستیم، ولی پرسش‌ها باید واضح و قابل فهم باشند.

علی سنگری (کارشناس گروه‌های آموزشی میناب): سؤال شما درباره کنکور در راستای کار تخصصی بنده است. همه هم می‌دانیم که کنکور چالش فراگیر برای دانش‌آموزان، معلمان و خانواده‌هاست. دوستان می‌گویند ما نمی‌توانیم سؤال‌های تستی کار کنیم. و آقای وزیر آموزش و پرورش هم به صورت رسمی در رسانه ملی اعلام کرد که توان حذف کنکور را ندارد. پس اگر می‌دانیم که کنکور حذف نخواهد شد، وظیفه دبیر، آموزش درس به صورت کنکورمحوری است. چرا؟ چون ضرر آن به دانش‌آموز می‌رسد. اگر آموزش ما غیر کنکورمحوری باشد، شهر ما ضرر می‌کند. همه شهرهای بزرگ بر همین اساس کار آموزش را پی می‌گیرند؛ مگر در شهرهایی مثل شهر ما که می‌گویند، هزینه کلاس کنکور را نداریم. البته حق هم دارند و کسی هم حمایت نمی‌کند.

امسال ما با همکاری مسئول محترم آموزش و پرورش میناب کلاس کنکور برگزار کردیم، ولی نتوانستیم هیچ اعانه‌ای برای این کار جذب کنیم. جمله نهایی این است که ما درباره کنکور هیچ کاری نمی‌توانیم بکنیم مگر

ارتباط درس‌ها و مفاهیم در درس دینی هم وجود دارد. متأسفانه برخی از دبیران ما تجربه، اشراف و تخصص لازم را ندارند و نمی‌توانند در جای خود به این پیوستگی‌ها اشاره کنند. آن وقت دانش‌آموز هر درس را مطلب تازه‌ای می‌بیند



اینکه خودمان را با وضعیت کنکور وفق بدهیم. اگر غیر از این است، بفرمایید چگونه؟ بنده هم تسلیم می‌شوم. در چنین حالتی کتاب و دبیران محترم کنکور محور هستند. در رشته‌های فنی و حرفه‌ای، انسانی و ریاضی بچه‌ها قبول می‌شوند و فقط رشته تجربی می‌ماند. برای نمونه عرض کنم: فرزند من با نمره کنکور ۳۶۰۰ جایی قبول نمی‌شود، در حالی که نفر اول میناب بود، می‌خواهم بگویم در هر خانه چند نفر دارای دیپلم و غیر دیپلم زندگی می‌کنند. همه هم بی‌کارند. لذا انگیزه‌ای برای کنکور و رفتن به دانشگاه ندارند تا هزینه کلاس کنکور را تأمین کنند.

صفیه ذاکری: بنده دارم با جزئیات با دانش‌آموزان کار می‌کنم، ولی احساس کردم، با این روش آموزش که توأم است با گفتن نکته‌های ریز و توضیح درباره سؤال‌های تستی؛ بچه‌ها نمی‌توانند به سؤال‌های تشریحی در امتحان پاسخ لازم را بدهند. ناچار باید امتحان نهایی را هم مثل کنکور برگزار کنیم.

عباس زارعی (میناب): شیوه ارزشیابی کنکور معمولاً تلفیقی است. بنده پیشنهادم این است که تألیف کتاب باید منطبق با این رویکرد باشد. در کتاب‌های دینی، در پایان کتاب یا در پایان هر درس، بخشی خاص و اضافه برای مطالعه در کادر قرار بگیرد و بگوید این درس ادامه درس قبلی است. در حالی که الان ما معلمان می‌گوییم، این آیه ادامه آیه فلان درس است. برای مثال، در کتاب امسال، آنجا که معیارهای پیغمبر (ص) را آورده، سال گذشته مطلبی درباره امامت حضرت علی (ع) آمده بود. گاهی یک آیه سه پیام یا در مواردی چهار پیام دارد. آیه «والذین جاهدوا فینا...» هم به سنت‌ها اشاره دارد و هم عوامل رستگاری را گفته است. در کتاب پایه دهم ارجاع بدهند که به امید خدا در فلان درس چنین خواهیم گفت و در همه درس‌های پیوسته این نکات در کادر آورده شوند تا وقتی دانش‌آموز هر درسی را می‌خواند، متوجه این تلفیق بشود.

الان دبیر باید باتجربه و کاملاً متخصص باشد تا بتواند بگوید این نکته و آیه و روایت در کجا ذکر شده است. در یک سؤال کنکور به سه درس ارجاع می‌دهند، در حالی که همیشه همه درس‌ها پیوسته نیستند و متفاوتند. می‌خواهند دانش‌آموز بفهمد که فقط در فیزیک و ریاضی نیست که فرمول‌ها با هم ربط دارند، بلکه ارتباط درس‌ها و مفاهیم در درس دینی هم وجود دارد. متأسفانه برخی از دبیران ما تجربه، اشراف و تخصص لازم را ندارند و نمی‌توانند در جای خود به این پیوستگی‌ها اشاره کنند. آن وقت دانش‌آموز هر درس را مطلب تازه‌ای می‌بیند.

صفیه ذاکری: (میناب): نکته‌ای که آقای زارعی اشاره کردند، مهم است. من امسال همین کار را کرده‌ام یعنی

نکته‌به‌نکته ارتباطها را یادآور می‌شوم. اگر مؤلفان محترم، این ارتباطها را برای درس‌های یک کتاب یا درس‌های کتاب‌های متفاوت را مشخص کنند، کارها برای معلم و دانش‌آموز راحت و کمبود وقت هم تا حدی جبران می‌شود.

سید مهدی موسوی (میناب): در همین زمینه کنکور، صداقت ما دبیران خدشه‌دار شده است زیرا اول سال می‌گوییم: بچه‌های عزیز! از موارد ۱، ۲، ۳ و ... نباید در کنکور سؤالی طرح کنند. ولی دو سه سال متوالی مشاهده کرده‌ایم، نقض غرض کرده‌اند و از نبایدها سؤال داده‌اند! البته فقط صداقت ما دبیران خدشه‌دار نمی‌شود، در درجه اول صداقت مؤلفان کتاب درسی خدشه‌دار می‌شود، زیرا مؤلفان نوشته‌اند که از چه قسمت‌هایی نباید در هیچ نوع امتحانی سؤال بیاید.

یکی از هدف‌های ما در این سفرها، معرفی مجله رشد است. همه درس‌ها رشد دارند. درسی را که شما تقبل کرده‌اید، فصل‌نامه‌ای به نام «رشد آموزش قرآن و معارف دینی» دارد. هدف خانواده رشد این است که این مجله بتواند به آموزش درس‌های قرآن و معارف کمک کند. اگر جواب برخی از سؤال‌ها و شبهه‌ها را در کتاب و در برخی از سخنرانی‌ها نیافتید، بتوانید در این مجله پیدا کنید. به ما در رسیدن به این هدف از طریق نقد کتاب‌ها و درس‌ها، فرستادن تجربه‌های موفق آموزشی، ارسال سؤال‌های مبتلا به خاص و هر موضوعی که در این چارچوب می‌گنجد، کمک کنید. سرانجام می‌رسیم به این نکته که حرف نگفته اما مهمتان را بفرمایید.

سهراب کریمی: بنده دبیر شیعه مذهبم، ولی هم به مدارس رفته‌ام که تمام دانش‌آموزان آن سنی مذهب بوده‌اند، و هم در مدارس تدریس کرده‌ام که دانش‌آموزان سنی و شیعه در کنار هم در یک کلاس نشسته‌اند و نماز را با هم برگزار می‌کنند. شکر خدا هیچ‌گاه مشکلی را مشاهده نکرده‌ام. ضمن اینکه بنده هم پشت سر برادران اهل سنت نماز می‌خوانم. لذا اگر صحبتی می‌کنیم، از باب وظیفه است. بنده هنگام درس درباره موضوع‌های خاص در این کلاس‌ها، به منابع متفاوت مثل قرآن کریم و صحیح نسائی ارجاع می‌دهم. یعنی موضوع درس را با استناد به منابع مورد قبول بیان می‌کنم و خیلی بی‌طرفانه این کار می‌شود.

سید مهدی موسوی (میناب): بین برخی از آیات منتخب و درس مربوطه هماهنگی نیست که سبب چالش می‌شود.

متأسفانه در دوره متوسطه دوم، قرآن در حاشیه قرار گرفته است. باید ساعت خاصی به قرآن اختصاص بدهیم. آیا رسالت معلم دین و زندگی فقط این است که دانش‌آموز را برای کنکور آماده کند؟

حجت مکی نصیرایی (میناب): شبهه‌ها هر روز تولید می‌شوند، زیرا عده‌ای فقط برای اینکه چطور شبهه تولید کنند، با هم می‌نشینند و فکر می‌کنند. ولی ما برنامه خاصی برای پاسخ‌گویی به روز شبهه‌ها نداریم. به نظرم خوب است که مؤلفان هر سال مهم‌ترین و پایه‌ای‌ترین شبهه‌های دینی آن سال را در کتاب مطرح کنند و بدان‌ها پاسخ دهند. یا در صورت لزوم آن‌ها را در کتابچه‌هایی جمع کنند و پاسخ بدهند و برای مدارس بفرستند تا دبیران هم در جریان قرار بگیرند و از شبهه‌سازان عقب نمانند.

ابوطالب بلند آبادی (میناب): به نظرم سؤال‌های کنکور خیلی سخت نیستند، ما باید به دانش‌آموز روش خواندن و یادگیری درس دین و زندگی را بگوییم. در درس دین و زندگی، فهم علت و معلول خیلی مهم است. زیرا فقط در این صورت می‌توان ارتباط بین آیات و متن درس را درک کرد. در کنکور از علت و معلول سؤال می‌آید و دانش‌آموز با خواندن تمام کتاب‌های دین و زندگی (دهم و یازدهم و دوازدهم) بر اساس علت و معلول قادر خواهد بود، ۷۰ تا ۸۰ درصد تست‌ها را درست بزند.

عصمت جلالی (میناب): درس اول کتاب سال دوازدهم برگرفته از خطبه‌های آغازین «نهج‌البلاغه» است، ولی اشاره‌ای بدان ندارد. اگر این کار بشود، دانش‌آموز می‌تواند به نهج‌البلاغه مراجعه کند و این رجوع اگر با تحقیق باشد، به وی در فهم درس کمک می‌کند. بخش تدبیرها برای تفکر و اگر خیلی مفید است. دانش‌آموزان نظرهای جالبی می‌دهند که سبب می‌شود برای دبیر هم فضاهای جدیدی در آن مورد به وجود بیاید. لذا در ارزشیابی باید دست معلم تا حدی باز باشد تا بتواند این دانش‌آموزان را که تفکر و اگر دارند، تشویق کند. معیارها همیشه نباید متوجه دانش‌آموزان دارای تفکر هم‌گرا باشد.

خانم جعفری (میناب): همان‌طور که در متوسطه اول درس‌های دینی و قرآن جدا هستند، در متوسطه دوم هم برای قرآن تک ساعت بگذارند تا اهمیت قرآن مشخص شود. در ضمن در انتهای هر درس احکام را بیاورند بهتر است تا درس خاصی را به احکام اختصاص دهند.

زهرا زارعی (میناب): بنده چند سال در کلاس‌هایی متشکل از دانش‌آموزان شیعه و سنی تدریس کرده‌ام و هیچ مشکلی با این کتاب نداشته‌اند. درباره کنکور عرض کنم، هر درسی را که تدریس می‌کنم، در آغاز جلسه بعد، ابتدا از بچه‌ها امتحان تستی می‌گیرم. بعد اگر لازم شد، امتحان تشریحی برگزار می‌کنم. شکر خدا این روش جواب داده است و در کارم موفق بوده‌ام.

لیلا صادقی (میناب): در صفحه ۱۰۱ کتاب دین و

زندگی تجربی، در بند آخر به انحراف‌های جوامع قبل از اسلام و در برخی از جوامع امروزی اشاره کرده‌اند. این انحراف «ارتباط جنسی خارج از چارچوب شرع است.» به نظرم حذف آن بهتر است، زیرا در جای دیگری هم به موضوع زنا و لواط اشاره شده است و لزومی به تکرار آن نیست. زیرا تکرار یک موضوع ناموجه خوشایند نیست و نباید ذهن بچه‌ها را با این مسائل درگیر کرد.

صفیه ذاکری (میناب): بنده هم با همکارم خانم صادقی موافقم که نباید مسائل قبیح در شرع را تکرار کرد، زیرا سوء تأثیر دارند؛ به‌ویژه که متأسفانه در فضای مجازی به آن‌ها دامن زده می‌شود. متأسفانه در دوره متوسطه دوم، قرآن در حاشیه قرار گرفته است. باید ساعت خاصی به قرآن اختصاص بدهیم. آیا رسالت معلم دین و زندگی فقط این است که دانش‌آموز را برای کنکور آماده کند؟ رسالت معلم دین و زندگی، تربیت عقیدتی دانش‌آموز است. متأسفانه کار ما فقط آموزش شده و تربیت مهجور مانده است. هنگام جنگ تحمیلی، عکس یک شهید، روی همه ما تأثیر مثبت و عمیق می‌گذاشت، ولی متأسفانه الان چیزی برای این کار کرد عمل نداریم، زیرا همواره به آموزش پرداخته‌ایم.

متأسفانه این همه که حرف می‌زنیم، جلسه می‌گذاریم؛ انتقاد می‌کنیم و پیشنهاد می‌دهیم، هیچ تأثیری ندارد. بنده روز اولی که آقای زارعی (سرگروه دین و زندگی در استان هرمزگان) را دیدم، گفتم: آقای زارعی! امروز که به سر کلاس شما آمده‌ام، به علم من اضافه شد. زیرا در همان روز اول، کتاب را نقد می‌کردیم، اما از مواردی که نقد کرده‌ایم، چه چیزهایی حذف و چه چیزهایی اضافه شدند؟! خیلی‌ها حذف شدند، اما متأسفانه مطالب بدتری به جای آن‌ها گذاشته‌اند!

سهراب کریمی (میناب): بنده سعی می‌کنم در تمام کلاس‌های دکتر زارعی (سرگروه دین و زندگی استان) شرکت کنم، زیرا بسیار مفیدند. دریافت‌های من از کلاس‌های ایشان بیشتر از دریافت‌های من از کتاب‌هاست.

ابوطالب نکویی زاده (میناب): در علوم پایه، درس‌هایی با عنوان شیمی و آزمایشگاه، و فیزیک و آزمایشگاه داریم. در برخی از مدارس هیچ آزمایشی انجام نمی‌دهند، چون امکانات آن را ندارند، ولی ساعت آن را برای درس‌ها، گذاشته‌اند. در حالی که در رشته‌های ریاضی و تجربی، برای روخوانی قرآن یک ساعت خاص قرار داده‌اند. با توجه به اهمیت موضوع باید این کار انجام بشود و برای تدریس متن کتاب نیز ساعت دیگری مقرر کنند. ضمن اینکه متن درس باید با آیات منتخب همان درس متناسب باشد. نکته مهم این است که اکثر دبیران دین و زندگی درباره درس قضا و قدر با مشکل یا ابهام مواجه‌اند. در وضعیت موجود خوب است، این درس حذف شود.

نکته مهم این است که اکثر دبیران دین و زندگی درباره درس قضا و قدر با مشکل یا ابهام مواجه‌اند